

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ابداع، اختراع و آیین های نو در شاهنامه؛ از کیومرث تا هوشنگ

دکتر پیمان تباری

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

Payman.tabari@yahoo.com

چکیده:

بیان مسأله: شاهنامه فردوسی اثر ادبی بی مانندی است که با شناخت و مطالعه ی آن می توان زیبایی و قدرت بیان و اندیشه شاعر بهتر و بیشتر پی برد. شاهنامه حاوی پیشینه و فرهنگ اصیل ایرانی است و بسیاری از آداب، رسوم، اختراعات، ابداعات و نوآوری ایرانیان از آغاز پیدایش این قوم را در خود دارد. هدف: شاهنامه فردوسی یکی از آثار گرانبهای ادبیات حماسی جهان و بهترین اثر در ادب فارسی است که زیر بنای فرهنگی ایران مانند رسم حکومت، منشور حاکمیت، تشکیل سپاه، کشاورزی، خوراک، پوشاک و بسیاری آیین های دیگر را در خود دارد و داستان تلاس و کوشش، امیدو نامیدی این قوم را بیان می کند. بنابراین بررسی زوایای هر داستان می تواند در ماندگاری مطالب در ذهن مخاطب و شناخت خدمات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و نیز منشور سیاسی حاکمان گذشته ایران بر اساس هر یک از داستان ها مورد استفاده و مفید واقع گردد. داستان کیومرث تا هوشنگ وقایعی را بازگو می کند که برای اولین بار در ایران و گاه جهان روی داده یا کشف شده است و این مقاله سعی در پرداخت این دوران و بررسی زوایای آن دارد. روش تحقیق: روش پژوهش در این مقاله توصیفی- تحلیلی و گردآوری داده ها به شیوه ی کتابخانه ای است. نتایج تحقیق: بر اساس این مطالعه، داستان کیومرث تا هوشنگ و مردم آن زمان، کشفیات و مباحث اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دوران آنان در شاهنامه بیان می گردد که زیبایی اندیشه و هنر شاعر و تلاش او در نمایش و بیان فرهنگ گذشته ایران بسیار اهمیت دارد.

کلمات کلیدی: شاهنامه، کیومرث، هوشنگ، آیین ها، ابداعات

مقدمه

ادبیات پر بار و گرانسنگ فارسی با کوشش بی دریغ شاعران و نویسندگان پر توان این سر زمین رونق گرفته و ماندگار شده است؛ ادیبانی که هر یک به تنهایی سند افتخار ایران محسوب می شوند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فردوسی بزرگ ترین حماسه سرای ایران و از پرآوازه ترین شاعران جهان، ستون عزت و شکوه مردم ایران را بنا نهاده است که از هر آسیب و گزند در امان خواهد بود. شاهنامه تمام جنبه های فکری، فرهنگی، ادبی، روان شناختی، دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... را به خوبی با نظمی استوار و شایان توجه آورده است. «چنان که از شاهنامه بر می آید، فردوسی طبع لطیف و خوی پاکیزه داشت. سخن او از طعن و دروغ و بدگویی و چاپلوسی خالی بود و تا می توانست الفاظ پست و زشت و تعبیرات ناروا و دور از اخلاق به کار نمی برد. در وطن دوستی - چنان که از جای جای شاهنامه به خوبی بر می آید سری پر شور داشت» (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۳۷). شاهنامه «هم از نظر کمیت، هم از جهت کیفیت، بزرگ ترین اثر ادبیات و نظم فارسی است؛ بلکه می توان گفت یکی از شاهکارهای ادبی جهان است» (فروغی، ۱۳۵۱). همچنین «شیواترین و بلندترین و برجسته ترین... زیباترین و تقلید ناپذیرترین منظومه از جنبه های زبانی و ادبی و ابداعات حماسی و حکیمانه است» (مرتضوی، ۱۳۶۹). فردوسی «از کسانی است که سبک کاملاً مخصوص به خود دارند» (شمیسا، ۱۳۸۶). این اثر ارزشمند «همچون دایره المعارفی، نکات دقیق و مهم اسلامی و انسانی را که متضمن تأمین زندگی برای هر فرد انسانی است، به نحو بسیار شیوا و رسایی در بر گرفته است» (رنجبر، ۱۳۶۹).

با تکیه بر جایگاه شاهنامه «برای فوایدی که از نظرگاه های گوناگون ادبی، تاریخی و... می توان از این گنج شایگان برگرفت باید کتابها پرداخت» (محبوب، ۱۳۷۱). با این وجود «تاکنون محققان ایرانی و غیر ایرانی صدها سال است که در این راه گام برداشته اند و هنوز در آغاز کارند» (همان)؛ زیرا «بزرگ ترین منظومه ی حماسی و تاریخی ایران شاهنامه ی فردوسی است که در شمار عظیم ترین و زیباترین آثار حماسی ملل عالم است» (صفا، ۱۳۸۹). در این مقاله اطلاعاتی درباره ی فرهنگ، آداب، رسوم، اختراعات و ابداعات اولیه ایرانیان از دوران حکومت کیومرث تا هوشنگ که در شاهنامه به آن ها اشاره شده ذکر گردیده است که همگی نشان از قدمت و پیشینه ی زحمت و تلاش ایرانیان برای استفاده از این موارد در زندگی خود و حفظ و انتقال آن ها به نسل های بعد دارد و چنان که می بینیم هنوز بسیاری از این آداب و آیین ها در فرهنگ ایران باقی مانده و کاربرد دارد.

۱ - نورو و آیین تاج و تخت

شاهنامه از کیومرث یا گیومرث به عنوان نخستین پادشاه ایران نام می برد. این پادشاه سی سال حکومت می کند. فردوسی می گوید این حاکم در کمال بزرگی، تاج بر سر گذاشت و از دوران او آگاهی در دست نیست زیرا در این دوره پسر از پدر اطلاعی ندارد. کیومرث در اخلاق و مردانگی انسانی برتر از دیگران بود. پادشاهی وی از روز نورو آغاز می شود روزی که که جهان پر از فرّ و آیین و آب؛ دشت و دمن پر از سبزه و گیاه و آفتاب گرمابخش و درخشان است و جهان جوان و شاداب:

پژوهنده ی نامه ی باستان / که از پهلوانان زند داستان
چنین گفت کآیین تخت و کلاه/ کیومرث آورد و او بود شاه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چو آمد به برج حَمَل آفتاب / جهان گشت با فرّ و آیین و آب
بتابید از آن سان ز برج بره / که گیتی جوان گشت از آن یک سره

(شاهنامه فردوسی، ۱۳۷۳: ۲۹)

۲- آیین مسکن گزینی

کیومرث که سی سال در جهان حکومت می کند کوه نشینی و رسم مسکن گزینی از دوره ی وی آغاز می گردد:

کیومرث شد بر جهان کدخدای / نخستین به کوه اندرون ساخت جای
سر بخت و تختش بر آمد به کوه / پلنگینه پوشید خود با گروه

(همان: ۲۹)

۳- آیین خوراک و پوشاک

از دیگر آیین ها که از دوره کیومرث رواج یافت خوراک و پوشاک اولیه و ساده است به عبارتی پوشاک این دوره هنوز بافتنی نیست و پارچه ساده بدون دوخت از پوست جانوران رام یا ددان مانند پلنگ است:
از او اندر آمد همی پرورش / که پوشیدنی نو بُد و نو خورش
به گیتی درون سال سی شاه بود / به خوبی چو خورشید بر گاه بود

(همان: ۲۹)

۴- آیین احترام و عدالت

در این دوره چهره و سیمای پادشاه، عدالت و دادگری همراه با شکوه است حکومت وی روز به روز بر مردمش شیرین تر و مقبول تر می شود. حیوانات درنده نیز مطیع فرمان او هستند و تمام حیوانات اهلی و وحشی در کنار پادشاه آرام گرفته، در قلمروی او احساس خطر نکرده و در مقابل تخت او دوتا شده اند و احترام بجا می آورند:
همی تافت زو فرّ شاهنشهی / چو ماه دو هفته ز سرو سهی
دد و دام و هر جانور کش بدید / ز گیتی به نزدیک او آرمید
دوتا می شدند بر تخت او / از آن بر شده فرّه و بخت او
به رسم نماز آمدند پیش / و ز او برگرفتند آیین خویش

(همان: ۳۱)

۵- آیین سوگواری

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کیومرث، پسری به نام سیامک دارد که به نبرد اهریمن می رود و در این نبرد، اهریمن سیامک را می کشد. پادشاه وقتی از مرگ فرزند آگاه گشت دنیا پیش چشمانش تیره و تار شد، اشک ریزان و ناله کنان از تخت فرود آمد. لشکریان در پیشگاه شاه صف کشیدند و همه لباس فیروزه ای رنگ را که نشان عزا بود بر تن کرده و حتی حیوانات و پرندگان نیز در این عزا همراهی کردند و یکسال عزادار سیامک بودند و این گونه است که راه و رسم و آیین سوگواری برای اولین بار در ایران بنا می گردد که هنوز در میان اقوام ایرانی حفظ شده و مرسوم است:

پپوشید تن را به چرم پلنگ/که جوشن نبود و نه آیین جنگ
پذیره شدش دیو را جنگجوی/سپه را چو روی اندر آمد به روی
سیامک بیامد برهنه تن/بر آویخت با پور آهرمنا
بزد چنگ وارونه دیو سیاه/دوتا اندر آورد بالای شاه
فکند آن تن شاهزاده به خاک/به چنگال کردش کمرگاه چاک
سیامک به دست خروزان دیو/تبه گشت و ماند انجمن بی خدیو
چو آگه شد از مرگ فرزند شاه/ز تیمار گیتی بر او شد سیاه
فرود آمد از تخت ویله کنان/زنان بر سر و موی و رخ را کنان
دو رخساره پر خون و دل سوگوار/دو دیده پر از نم چو ابر بهار
خروشی بر آمد ز لشکر به زار/کشیدند صف بر در شهریار
همه جامه ها کرده پیروزه رنگ/دو چشم ابر خونین و رخ بادرنگ
دد و مرغ و نخچیر گشته گروه/برفتند ویله کنان سوی کوه
برفتند با سوگواری و درد/ز درگاه کی شاه برخاست گرد
نشستند سالی چنین سوگوار/پیام آمد از داور کردگار

(همان: ۳۲)

۶- آیین انتقام

پس از مرگ سیامک، پادشاه بسیار اندوهگین و ماتم زده است تا این که سروش خداوندی به او پیام می دهد که به خود بیا و این همه ناراحت مباش بلکه به فکر انتقام خون سیامک باش و پادشاه نیز فرمان خداوندی را پیروی می کند و آماده ی کین سیامک می شود:

درد آوردش خجسته سروش/کز این بیش مخروش و باز آر هوش
سپه ساز و برکش به فرمان من/بر آور یکی گرد از آن انجمن
از آن بد کنش دیو روی زمین/بپرداز و پردخته کن دل ز کین
کی نامور سر سوی آسمان/بر آورد و بدخواست بر بدگمان
بر آن برترین نام یزدانش را/بخواند و بپالود مژگانش را

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

و زان پس به کین سیامک شتافت / شب و روز آرام و خفتن نیافت

(همان: ۳۳)

۷- آیین وزارت

سیامک پسری به نام هوشنگ داشت که نزد پدر بزرگ بسیار ارجمند بود و حکم وزیر و دستور داشت. در این جا فردوسی به حکم وزارت اشاره می کند و هوشنگ را دستور و وزیر کیومرث معرفی می کند:
خجسته سیامک یکی پور داشت / که نزد نیا جاه دستور داشت
گرانمایه را نام هوشنگ بود / تو گفتی همه هوش و فرهنگ بود
به نزد نیا یادگار پدر / نیا پروریده مر او را به بر
نیایش به جای پسر داشتی / جز او بر کسی چشم نگماشتی

(همان: ۳۳)

۸- آیین فرماندهی

فردوسی چنین می گوید که کیومرث به هنگام لشکرآرایی برای انتقام خون سیامک، هوشنگ را که حکم وزارت نیز داشته است به عنوان فرمانده و پیشرو سپاه انتخاب می کند:
چو بنهاد دل کینه و جنگ را / بخواند آن گرانمایه هوشنگ را
همه گفتنی ها بدو بازگفت / همه رازها بر گشاد از نهفت
که من لشکری کرد خواهم همی / خروشی برآورد خواهم همی
تو را بود باید همی پیشرو / که من رفتنی ام تو سالار نو

(همان: ۳۴)

۹- آیین تشکیل سپاه

برای اولین بار سپاه منسجمی از انسان، حیوان، درنده و پرنده تشکیل می گردد و به فرماندهی هوشنگ برای انتقام خون سیامک حرکت می کند و سپاه دیوان را شکست می دهد و این چنین دیو اصلی که سیامک را کشته به دست هوشنگ از بین می رود:

پری و پلنگ انجمن کرد و شیر / ز درندگان گرگ و ببر دلیر
سپاهی دد و دام و مرغ و پری / سپهدار پرکین و کنداوری
پس پشت لشکر کیومرث شاه / نبیره به پیش اندرون با سپاه
بیامد سیه دیو با ترس و باک / همی با آسمان بر پراگند خاک
ز هرآی درندگان چنگ دیو / شده سست از خشم کیهان خدیو
به هم بر شکستند هر دو گروه / شدند از دد و دام دیوان ستوه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بیازید هوشنگ چون شیر چنگ / جهان کرد بر دیو نستوه تنگ
کشیدش سراپای یک سر دوال / سپهبد برید آن سر بی همال
به پای اندر افگند و بسپرد خوار / دریده بر او چرم و برگشته کار
چو آمد مر آن کینه را خواستار / سرآمد کیومرث را روزگار

(همان: ۳۴)

۱۰- منشور حکومت

هرچند که دوره کیومرث همراه با عدالت و دادگری است اما هنگامی که هوشنگ تاج شاهی بر سر می گذارد در حضور همگان خود را پادشاه هفت کشور می خواند و به صورت رسمی منشور حکومتش را اعلام می کند؛ دادگری، بخشندگی و تلاش برای آبادانی سرزمین تحت حکومت مهم ترین برنامه های حکومت اوست:

جهاندار هوشنگ با رای و داد / به جای نیا تاج بر سر نهاد
بگشت از برش چرخ سالی چهل / پر از هوش مغز و پر از رای دل
چو بنشست بر جایگاه مهی / چنین گفت بر تخت شاهنشهی
که بر هفت کشور منم پادشا / جهاندار پیروز و فرمانروا
به فرمان یزدان پیروزگر / به داد و دهش تنگ بستم کمر
و زان پس جهان یکسر آباد کرد / همه روی گیتی پر از داد کرد

(همان: ۳۴)

۱۱- کشف آتش و آیین مقدس شمردن آن

شاهنامه یافتن آتش را به هوشنگ نسبت می دهد. بنا بر سخن فردوسی، هوشنگ در کوه ماری سیاه با چشمان سرخ دید که از دهانش دود بیرون می داد. سنگی به سوی او پرتاب کرد. در اثر برخورد سنگ با سنگ دیگر جرقه ی آتشی زده شد و بدین ترتیب آتش کشف شد. پادشاه این آتش را هدیه خداوندی دانست و آن را مقدس شمرد. از آن پس این آیین در فرهنگ ایران شکل و جایگاه گرفت:

نخستین یکی گوهر آمد به چنگ / به آتش ز آهن جدا کرد سنگ
سر مایه کرد آهن آبگون / کز آن سنگ خارا کشیدش برون
یکی روز شاه جهان سوی کوه / گذر کرد با چند کس هم گروه
پدید آمد از دور چیزی دراز / سیه رنگ و تیره تن و تیز تاز
دو چشم از بر سر چو دو چشمه خون / ز دود دهانش جهان تیره گون
نگه کرد هوشنگ باهوش و سنگ / گرفتش یکی سنگ و شد تیز چنگ
به زور کیانی رهانید دست / جهانسوز مار از جهانجوی جست
بر آمد به سنگ گران سنگ خرد / همان و همین سنگ بشکست گرد

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فروغی پدید آمد از هر دو سنگ / دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
نشد مار کشته ولیکن ز راز / از این طبع سنگ آتش آمد فراز
جهاندار پیش جهان آفرین / نیایش همی کرد و خواند آفرین
که او را فروغی چنین هدیه داد / همین آتش آنگاه قبله نهاد
بگفتا فروغی است این ایزدی / پرستید باید اگر بخردی

(همان: ۳۴)

۱۲- آیین سده

در هنگام کشف آتش به افتخار و بزرگداشت چنین دستاورد بزرگی جشنی گرفتند و نام آن جشن را سده گذاشتند:

شب آمد بر افروخت آتش چو کوه/همان شاه در گرد او با گروه
یکی جشن کرد آن شب و باده خُورد/سده نام آن جشن فرخنده کرد
ز هوشنگ ماند این سده یادگار/بسی باد چون او دگر شهریار
کز آباد کردن جهان شاد کرد/ جهانی به نیکی از او یاد کرد

(همان: ۳۴)

۱۳- آیین آهنگری و ساخت وسایل آهنی

پیشه آهنگری و ساخت ابزار آهنی از دوره ی هوشنگ شروع می شود:
چو بشناخت آهنگری پیشه کرد/ از آهنگری ارّه و تیشه کرد

(همانجا)

۱۴- ایجاد رودخانه ها و کشاورزی

ایجاد رودخانه و جویبار از دریاها در راستای کم کردن رنج و سختی مردم از کارهای مهم هوشنگ بود. مردم ایران در زمان هوشنگ با آبیاری و کشاورزی آشنا می شوند. در دوران حکومت هوشنگ، جانوران سودمند مانند گاو، خر و گوسفند را جفت جفت جدا کردند تا آن‌ها را پرورش دهند و در کار کشاورزی و دامداری از آن‌ها استفاده کنند:

چو این کرده شد چاره ی آب ساخت/ ز دریای‌ها رودها را بتاخت
به جوی و به رود آب‌ها راه کرد/ به فرخندگی رنج کوتاه کرد
چراگاه مردم بدان برفزود/ پراگند پس تخم و کشت و درود
برنجید پس هر کسی نان خویش/ بوزید و بشناخت سامان خویش
بدان ایزدی جاه و فرّ کیان/ ز نخچیر گور و گوزن ژبان
جدا کرد گاو و خر و گوسفند/ به ورز آورد آن چه بُد سودمند

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(همان: ۳۵)

۱۵- ساخت پوشاک

در دوران حکومت هوشنگ، جانوران سودمند را پرورش می دادند سپس از پوست آنها چرم ساختند و بدین ترتیب برای اولین بار هنر بافت از چرم رواج پیدا کرد:
ز پویندگان هر چه مویش نکوست/بکشت و به سرشان برآهیخت پوست
چو روباه و قاقم چو سنجاب نرم/چهارم سمور است کش موی گرم
بر این گونه از چرم پویندگان/بپوشید بالای گویندگان

(همان: ۳۵)

نتیجه گیری

آشنایی با فرهنگ، آداب و رسوم هر قومی در گرو شناخت پیشینه ی آنان است. فرهنگ ایران از ساختار و جایگاه ارزشمند و دیرینی برخوردار است که مردم دنیا نیز به این امر اذعان دارند. شاهنامه به عنوان یک سند معتبر بسیاری از اولین های فرهنگ ایران را در خود جای داده و حفظ نموده است. فردوسی با ظرافت و بیان دقیق به بنای اولیه و ساختار فرهنگ ایران اشاره می کند فرهنگی که قدمتی به طول تاریخ بشریت دارد. فرهنگ و آیین حکومت و مردماری، پوشاک و خوراک، ساخت ابزار و ادوات، استفاده از منابع طبیعی، کشاورزی و دامداری و ... شناخت این عناصر فرهنگی و آشنایی با پیشینه ی زحمتی که گذشتگان این سرزمین برای آبادانی و رفاه و حفظ زندگی خود داشته اند همگی حکایت از این دارد که مردم ایران اهل تلاش و کوشش برای زندگی بوده و برای حفظ و انتقال این فرهنگ به نسل های بعد از خود نیز هرگونه رنجی را تحمل کرده اند، از همه مهم تر اینکه فردوسی با سرایش شاهنامه در ذکر و ثبت این موارد نقش بی بدیلی داشته است که علاوه بر آشنایی با شاهنامه می توان از فرهنگ و تاریخ سرزمین خود نیز آگاهی کامل به دست آورد.

منابع و مآخذ

- جمعی از دانشمندان؛ هزاره ی فردوسی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲
رنجبر، احمد؛ جاذبه های فکری فردوسی، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸
زرین کوب، عبدالحسین؛ با کاروان حله، مجموعه ی نقد ادبی، چاپ نهم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴
سرامی، قدمعلی؛ از رنگ گل تا رنج خار، شکل شناسی داستان های شاهنامه، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸
شمیسا، سیروس؛ سبک شناسی شعر، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۸۶

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- صفا، ذبیح‌الله؛ حماسه‌سرایی در ایران، چاپ نهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹
- حمیدیان، سعید؛ شاهنامه فردوسی بر اساس چاپ مسکو، چاپ چهارم، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۹
- فروغی، محمدعلی؛ مقالات فروغی، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، ۱۳۵۱
- محبوب، محمد جعفر؛ آفرین فردوسی، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۱
- مرتضوی، منوچهر؛ فردوسی و شاهنامه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹